

## تکاپوهای زنان در عرصه دانش و خدمات پزشکی از تجربه تا عمل در تمدن اسلامی عصر عباسی

\*نصرت‌بانو عزیزی  
\*\*فاطمه جان‌احمدی

چکیده

دانش پزشکی در زمرة علوم مهم تمدنی است. گرچه می‌توان فعالیت بانوان را دربخش خدمات پزشکی، چون درمانگری تجربی و حتی پیشگیری از بیماری‌های معمول با بهره‌گیری از دانش طب خانگی و ... بررسی کرد، اما تاکنون مطالعه مستقلی در سهم‌سنجی آنان در مطالعات دانش پزشکی تمدنی دیده نشده است و اینکه: اساساً تکاپوهای علمی - مهارتی و تجربی بانوان در تاریخ تمدن اسلامی در حوزه دانش پزشکی، قادر پزشکی و فعالیت‌های طبی منجر به ترویج دانش پزشکی در عصر عباسیان چه بوده است؟ پاسخ این سوال تنها با روشی توصیفی (به مثابه تاریخ) تحلیلی و استنتاجی (به اعتبار منابع) قابل دریافت است. زیرا منابع در ارائه اطلاعات مربوط به زنان به‌ویژه خدمات پزشکی صراحة لازم را ندارند. در عصر عباسیان با رشد دامنه تمدنی و به‌ویژه با ظهور زنان قدرتمند درباری، تکاپوهای علمی زنان در توسعه دانش پزشکی رویه‌فزونی نهاد. با استناد به منابع تاریخی، تکاپوهای زنان در عرصه خدمات پزشکی و درمانگری، با وقف اماكن و تجهیزات پزشکی، تأسیس بیمارستان و ... در رونق دانش پزشکی تمدن اسلامی بسیار مؤثر بود.

### وازگان کلیدی

زنان، دانش پزشکی، خدمات پزشکی، تمدن اسلامی، عصر عباسی.

\*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

azizi.nb1386@gmail.com

f.Janahmadi@modares.ac.ir

\*\*. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس و مدرس دروس معارف اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶

### طرح مسئله

یکی از ثمرات فتوح اسلامی، از بین رفتن مرز میان تمدن‌های بزرگ بشری است. اصلی‌ترین کانون علمی شناخته شده بعد از جندی‌شاپور، بیت‌الحکم است که محل التقاط فرهنگی بین‌المللی در عصر عباسی بود و درهای باز آن به روی اهل علم همواره گشوده ماند. اهمیت و جایگاه والای علم و دانش در دین اسلام و علاقه حاکمان وقت به علوم جدید، سبب اخذ و اقتباس علوم، از سرزمین‌های مفتوحه، به‌ویژه ایران، توسط مسلمانان شد.

حضور فعال دانشمندان در کانون علمی بیت‌الحکم منجر به رشد دانش‌های معمول، به‌ویژه دانش پزشکی شد. به‌دلیل فراخوان پزشکان به دربار عباسیان – که نه تنها از سر نیاز خلفاً نبود، بلکه این خود می‌توانست به قدرت علمی دربار ایشان نیز بیانجامد – موج قابل توجهی از پزشکان ایرانی و هندی به دربار آنان سوق داده شدند. ناظر به تلاش و خواست خلفاً در این میان، نقش زنان دربارنشین هم در توسعه علم پزشکی و خدمات درمانی فزوونی گرفت. هرچند انعکاس حضور آشکار زنان در کتابهای تاریخی در این عرصه بسیار کم فروع است اما نقش بی‌بدیل زنان در جایگاه مادرانه و همسرانه و مراقبت‌های ویژه درمانی – چون قابلگی، بهیاری، پرستاری، یا توسعه و ارائه خدمات عام‌المنفعه پزشکی به جامعه روزگار خویش – به همراه اختصاص بخش مهمی از ثروتشان برای توسعه اماکن درمانی، احداث بیمارستان و یا درمانگاه‌های فصلی و دائمی به عنوان زیر ساخت حیات پزشکی را نباید نادیده گرفت.

با وجود مطالعات متعدد درباره زنان و دانش پزشکی در تاریخ اسلام، بی‌تردید مقاله حاضر مکمل فرایند پژوهش‌های پیشین خواهد بود، زیرا این مقاله با هدف بررسی نقش و سهم زنان عصر عباسی در توسعه و ترویج نظام سلامت و تسهیل خدمات پزشکی، در صدد تشریح جایگاه، نقش و تکاپوی زنان در رشد و توسعه دانش پزشکی و تقویت حوزه سلامت در جامعه عصر عباسی خواهد بود. علاوه بر این خواهد کوشید تا خصمن بر جسته‌سازی منشأ معلومات پزشکی، به نقش زنان در پیشگیری و درمان بیماری‌ها و حفظ بهداشت عمومی توجه نماید. از نتایج مطالعات مقدماتی می‌توان بر این مفروض تأکید کرد که اگرچه عصر عباسیان از سویی عصر پزشکان نامداری چون بختیشور، ماسرجویه، ابن‌سینا و رازی است، اما بی‌توجهی به حضور زنان هم در مطالعات بعدی دور از انصاف علمی است. سایه حضور زنان نام‌آوری که هرچند به ظاهر نام و نشانی در عرصه پزشکی ندارند اما بی‌حضور آنها نیز، تمدن نمی‌تواند راه تعالی بپیماید و بی‌شک سهم آنان نیز در حیات تمدنی کمتر از مردان نیست. چنانکه این زنان بی‌ادعا توانسته‌اند با نقش‌آفرینی در ارائه و تقویت خدمات پزشکی و

بهداشت عمومی و ترویج پیشگیری و درمان، بویژه خدمات درمانی در منزل و خدمات درمانی در عرصه نظام سلامت، به جامعه خدمات مهمی عرضه کنند. بی‌تردید به دلیل ماهیت تاریخی، اساس این مقاله با روش‌های معمول علم تاریخ پیوند خورده است و منابع کتابخانه‌ای، دستمایه یافتن مستندات پژوهشی خواهند بود. در این فرایند، روش توصیفی به متابه ترسیم وضعیت دانش پزشکی در عصر عباسیان و تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی برای تحلیل تکاپوهای زنان درباری در جهت رشد و توسعه دانش پزشکی و تسهیل فرایند تولید دانش و توسعه خدمات پزشکی و نیز استنتاج از داده‌ها و مستندات و مسلمات تاریخی، بهترین روش در تقسیم‌بندی داده‌های تاریخی خواهد بود.

### نقش زنان در روند شکل‌گیری علم پزشکی

تاریخ طب با حیات بشری و دردهای انسانی پیوند خورده است. لزوم تسکین دردهای بی‌امان و نیاز به رفع احتیاجات بشری به‌ویژه دردها و مشکلاتی چون زایمان زنان و یا دردهای ناشی از جراحات جسمی، بشر را به‌سوی درمان برخاسته از تجربه و مهارت سوق داده است. آنچه مسلم است فرایند رشد و تکامل این مهارت و تبدیل شدن آن به یک دانش، بسیار آرام و در طی زمان بوده است. گرچه حیات تمدنی بشر بر دامنه‌های دانشی آن افزوده است اما هرگز از ساحت مهارت خارج نشده است و کماکان تجربه و آزمون و خطا در این دانش تجربی حرف اول را می‌زند.

در میان ادوار پر رونق دانش پزشکی، عصر عباسیان می‌تواند بستر مهم و تعیین کننده‌ای برای رشد دانش پزشکی بوده باشد. زیرا دستاوردهای علوم پزشکی در عصر عباسیان، ضمن دارا بودن پیشینه‌پزشکی جوامع تمدنی، حاصل قرن‌ها تلاش و تجربه کانون علمی چون جندی‌شاپور بوده که به راحتی به بیت‌الحکمه منتقل شده است. حضور پزشکان نام‌آور ایرانی، سریانی و هندی در دربار عباسیان موجب شد تا این عصر را عصر پزشکان بنامند. فراخوان اطیا و ورود پزشکان غیرمسلمان به سرزمین‌های اسلامی، موجبات تحرکات علمی را در مرکز خلافت اسلامی ایجاد کرد. هرچند هنوز نمی‌توان جایگاه پزشکان مسلمان در عرصه پزشکی را چندان مستحکم دانست، زیرا هنوز اعتماد جامعه به پزشکان سریانی و ایرانی بالاتر بود.<sup>۱</sup> از فعالیت علمی پزشکان به‌دلیل حصر در نظام خانوادگی، که به تبع آن اطلاعات درباره جزئیات خدمات و کادر پزشکی در این دوره بسیار ضعیف و محدود و مخدوش است، تصویر دقیقی وجود ندارد.

گرچه تا پیش از عصر عباسیان دست‌کم در حوزه تمدن اسلامی با قطعیت نمی‌توان از نظام

---

۱. ابن جلجل، *تاریخ الاطباء والحكماء*، ص ۶۳ به بعد، قسطی، *تاریخ الحکماء*، ص ۱۴۰، ۱۸۳ و ۲۱۷.

پزشکی متکی بر آموزش مدرسی صحبت کرد زیرا کماکان این علم متکی بر حوزه مهارت و تجربه باقی مانده بود اما در دوره عباسیان با ترجمه و تأليف کتاب‌های پزشکی و تأسیس بیمارستان‌ها و مریض‌خانه‌های آموزشی به‌ویژه در بغداد، رفته‌رفته دامنه علم پزشکی هم توسعه پیدا کرد و به‌تبع این رشد، نویسنده‌گان به بیماری‌های زنانه و نیز مسائل مرتبط با سلامت زنان در دوره بارداری و زایمان و امور مرتبه با آن توجه بیشتری کردند. چنان‌که می‌توان به کتاب *حلاج النساء اللواتی لا يحبن حتى يحبلن* که این کتاب درباره طب زنانه به او منسوب است، یکی کتاب *امتنع الاطباء من علاج الحوامل فی بعض شهور حملهن* که درباره معالجه نازایی زنان بود و دیگری کتاب *لهم امتنع الاطباء من علاج الحوامل* فی بعض شهور حملهن که درباره این بود که چرا بعضی اطباء از معالجه زنان آبستن در بعضی ماه‌ها امتناع می‌نمایند.<sup>۱</sup>

از آنجا که زنان در تدبیر منزل نقش به‌سزایی داشته‌اند، می‌توان آنها را در زمینه تشخیص زود هنگام ابتلای به بیماری‌ها و استفاده از گیاهان دارویی و درمان بیماری‌ها و پرستاری، پیشگام دانست و این توجه مادرانه و همسرانه زنان را به‌مثابه ستون و پایه خانواده قلمداد کرد. به همین دلیل زمان مسئولیت حفظ سلامتی اعضای خانواده را به‌طور مستقیم بر عهده داشته‌اند. هرچند علم پزشکی هم مانند دیگر علوم ابتدایی، با خرافات همراه بوده است، اما زنان با استفاده از انواع تعویذ، سنگ‌های قیمتی و نیز پزشکی تجربی به مقابله با بیماری‌ها بر می‌خواستند و به تدریج در محیط خانواده و جامعه، توانستند تأثیرات مثبتی از طبابت خانگی بجای بگذارند. اهمیت تعذیه در پیشگیری از بیماری‌ها، درمان، دوران نقاحت بیماری، شناخت طبع خوارکی‌ها و تأثیر انواع غذاها و میوه‌ها، استفاده از اجزاء حیوانات مانند سم مار یا زهر عقرب جهت تهیه پاذهر، استفاده از عصاره گیاهان و عرقیات، داغ کردن با آتش، تشخیص گیاهان دارویی و شناخت خواص آنها و چگونگی ترکیب و تهیه و طبخ آنها و تخصص در این امر به صورت تجربی از دیگر مهارت‌های بانوان بوده است. آشنایی با گیاهان دارویی که امری زمان‌بر و متکی بر تجربه و مهارت در شناسایی آنها بود، می‌توانست توسط زنان صورت گیرد، و این سهم و نقش آفرینی دور از ذهن نیست، چه اگر اقدامات زنان را در زمرة خدمات مقدماتی پزشکی بدانیم، با کمی اغماض می‌توان زنان را اولین گیاه‌شناسان دانست.<sup>۲</sup>

دانسته است که محتوای طب سنتی متکی بر سنت شفاهی است و عمده‌تاً بر مدار نظام اجتماعی خانواده محور، می‌گردد. مادر به عنوان مسئول حفظ سلامت اعضای خانواده در انتقال این سنت نقش داشته است. خصوصاً طب زنان، امراض زنانه، مامایی، زایمان و ابتلائات بعد از آن بسیار متکی بر

۱. ابن ابی اصیبیعه، *عيون الانباء فی طبقات الاطباء*، ص ۳۱.

۲. گیرشمن، *ایران از آغاز تا اسلام*. ص ۱۱.

زنان و قابل‌ها بوده است. زایمان و تداوم نسل بشر، دردها و مشکلات قبل و بعد از آن، که گاهی به مادر و کودک مربوط می‌شود، در زمرة نخستین تجربه‌های عملی آشنایی زنان با مهارت طبابت و مامایی بوده است و به عنوان یک تحصص زنانه از آن یاد می‌شود. آنان در طول تاریخ توانسته‌اند تجارب خود را برای تسهیل این امر به یکدیگر منتقل کنند.

در یک استنتاج و تحلیل کلی می‌توان ادعا کرد که بخش عمده‌ای از مراقبت‌های خانگی مربوط به سلامت مادر و کودک و حتی بیماری‌های مزمن توسط زنان ارایه می‌شده است. این موضوع تاکنون نیز ادامه دارد و بانوان در خانه کماکان وظیفه حفظ سلامت درون خانه را عهده دارند. در باب تبحر تجربی زنان و کسب مهارت‌های مربوط به حفظالصحه و بهداشت درون خانه و یا مهارت‌های علم پزشکی باید به این نکته توجه داشت که در صورت آشنایی زنان در نظام خانواده با مهارت‌های مراقبتی و درمانی، نیازی به مراجعه به طبیب احساس نمی‌شد. طب سنتی منکی بر تجویزات زنانه منجر به درمان در نظام خانواده است. این در حالی است که بعد از ظهرور اسلام و طرح مباحث محارم، توجه به آشنایی زنان با مهارت‌های طبی بیشتر شد، چون بسیاری از مردان اجازه نمی‌دادند که در مسائل مربوط به زنان، پزشکان مرد دخالت کنند.<sup>۱</sup> چنان‌که تاکنون این نقش کماکان برای زنان مفروض است و درمان بیماری‌های زنانه توسط طبیبان زن انجام می‌شود.

آنچه مسلم است نیاز به حضور زنان موجب شد تا به مرور زمان، دامنه فعالیت‌های پزشکی زنان از محیط خانواده فراتر رود و برخی از زنان، دستیار پزشکان مرد شدند و گاهی زنان پزشک نیز به جایگاه طبیبه می‌رسیدند. روایت طبری و زهراوی که در ادامه به آن اشاره می‌شود بیانگر این امر می‌باشد.

### نقش و جایگاه زنان در امور پزشکی در صدر اسلام

یکی از دغدغه‌های مسلمانان با توجه به اهتمام دین اسلام به علم‌آموزی، امر تحصیل و تدریس علم و دانش است. عدم توجه به جنسیت در علم‌آموزی، تکلیف زنان را هم برای کسب دانش بیشتر می‌کرد<sup>۲</sup> و زنان نیز با وجود محدودیت‌ها در این وادی بسیار کوشیدند.

فقر منابع تاریخی در انکاس زندگی اجتماعی مردم و نیز بی‌توجهی مورخان به انکاس جایگاه علمی زنان، موجب شده است تا اطلاعات دقیقی از تاریخ آموزش به‌طورکلی، و تاریخ علم‌آموزی زنان به‌طور اخص، در دست نباشد. به همین دلیل تاریخ دانش پزشکی در دوره اسلامی، نمی‌تواند تاریخی

۱. صفوری، *نرہة المجالس و منتخب النفائس*، ص ۲۸.

۲. مجادله (۵۸) : ۱۱. «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ».

کامل بوده باشد. علی‌رغم توصیه‌های دین مبین اسلام به اجرای حدود الهی و پرهیز از اختلاط با نامحرمان بهویژه در بیماری‌های مربوط به زنان، می‌بایست توجه اشاره عمومی را به سوی قشری از طبیبان زن معطوف کرده باشد، اما منابع گاهی تنها به استفاده از ضمایر مؤنث اکتفا کرده‌اند و اطلاعات مهم و درخوری در این زمینه ارائه نمی‌دهند، بنابراین می‌بایست با روش استنتاج از رخدادهای تاریخی و برخی اشارات مطول در منابع، به سرنخ‌های لازم در حیات اجتماعی پزشکان زن رسید و از بانوانی یاد کرد که در صدر اسلام عنوان درمانگر و پرستار را احراز کرده‌اند.<sup>۱</sup> همچنین دانش قابلگی و مامایی، طبابت، جراحی، شکسته‌بندی و حتی روان‌درمانی و مشاوره، از شغل‌های زنان در صدر اسلام بوده است.<sup>۲</sup>

برخی وظایف عمومی‌تر مانند مداوای بیماران، پانسمان جراحت‌های مجرروحین در جنگ‌ها و پرستاری‌های طولانی از بیماران ناتوان، از مشاغل مرسوم زنان در صدر اسلام بوده است. احادیث و روایات مرتبط با حفظ بهداشت و نگهداری از فرزندان و بیماران و پاداش معنوی این خدمات، نشان می‌دهد که زنان در موقعیت درمانگری و خدمات پزشکی بسیار توانمند بوده‌اند.

با رجوع به تاریخ صدر اسلام می‌توان فهرستی از زنان خدمتگزار در عرصه درمانی و پرستاری را تهیه کرد. چنان‌که منابع از رفیده یا کعبیه دختر سعد - پرستار داوطلب در جنگ‌های عصر پیامبر ﷺ - نام می‌برند. او جهت مداوای مجروحان جنگی، خیمه‌ای مخصوص داشت.<sup>۳</sup> او بنابر نقل منبع، خود را وقف خدمت به مجاهدان و جهادگران مسلمان کرده بود و گویا اولین پرستار در اسلام بوده است.<sup>۴</sup> هنگامی که سعد بن معاذ از بزرگان انصار، مجروح گردید، به دستور پیامبر ﷺ وی را جهت مداوا به خیمه رفیده در کنار مسجد برند. به نظر می‌رسد اولین بیمارستان پس از اسلام نیز همین خیمه‌ای باشد که به دستور پیامبر ﷺ در صحن مسجد و بهجهت مداوای مجروحین برپا شد و توسط رفیده اداره می‌شد.<sup>۵</sup> بیمارستان‌های صحراوی و سیار که به مناسبت جنگ، بیماری مسری و ... ساخته می‌شد، زمینه‌ساز ساخت بیمارستان‌های ثابت در دوره‌های ثابت در دوره‌های بعد خصوصاً عصر عباسی شد.

امسنان اسلامیه، هم یکی دیگر از نمونه‌های زنان نام‌آور عصر رسول خدا ﷺ است که داوطلبانه برای شرکت در جنگ، نزد رسول خدا ﷺ رفت و برای حضور در پشت جبهه و مداوای مجروحان در

۱. قرطبي، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۸۳۸.

۲. ابن أثير، أسد الغابة، ج ۶ ص ۱۶۲، ابن سعد، الطبقات الكبيرى، ج ۸، ص ۲۲۷.

۳. ابن أثير، أسد الغابة، ج ۵، ص ۴۵۴.

۴. قرطبي، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۸۳۸.

۵. عيسى، تاريخ ال碧مارستانات فى الإسلام، ص ۹ - ۸

جنگ از ایشان اذن شرکت در جنگ گرفت و حضرت به ایشان اجازه داد.<sup>۱</sup>

مطابق اسناد موجود، سلمی مولاھ صفیه، قابله حضرت خدیجه<sup>ؓ</sup> در هنگام تولد فرزندان پیامبر<sup>ﷺ</sup> بوده است.<sup>۲</sup> ام المذر، اسماء بنت ابوبکر و عایشه همسر رسول خدا<sup>ﷺ</sup>، ام عطیه انصاری و ... نیز مواردی از طبابت را می‌دانستند.<sup>۳</sup>

خواهر الحفید بن زهر و دخترش در پزشکی عمومی و بیماری‌های زنان تخصص داشتند.<sup>۴</sup>

معروف‌ترین پزشک صدر اسلام زینب بنت اود طبیبه است که در امور طبی آگاهی کاملی داشت و در دوران خود به چشم‌پزشکی و طبابت مشهور بود و در معالجه و مداوای بیماری‌های چشم و زخم‌ها بسیار تبحر داشت.<sup>۵</sup>

ابوالفرج اصفهانی در کتاب *الاغانی* *الکبیر* از قول محمد بن خلف مرزبان از جد پدری کناسه برای ما نقل کرد: من نزد زنی از قبیله بنی اود رفتم که درد چشمم را معالجه کند. او هم سرمه‌ای به چشم ریخت و گفت: قدری دراز بکش تا دارو در چشمت بگردد. منهم دراز کشیدم و شعری را خواندم:

أ مخترمي ريب المنون و لم أزر طبيب بنى أود علي التأي زينبا  
به فكر مردم افتادهای و منتظرك مرگ هستی؛  
در حالی که نزد طبیب بنی اود که دور از محل تو و نامش زینب است نرفته‌ای.

او خنده‌ید و گفت میدانی این شعر برای کیست؟ گفتم: نه، گفت: من زینب طبیب بنی اود هستم و عموبیم أبوسماک الأسدی این شعر را برایم سروده است.<sup>۶</sup> ابن‌ابی‌اصبیعه نیز این زن را در شمار پزشکان قرن اول هجری آورده است.<sup>۷</sup>

### نقش زنان در امور پزشکی در عصر عباسی

یک قرن پس از ظهور اسلام، دولت اسلامی به یک امپراتوری گسترده و بزرگ تبدیل شد و با توجه

۱. عسقلانی، *الإصابة في تمييز الصحابة*، ج ۸، ص ۴۱۲.

۲. همان، ص ۱۸۹.

۳. عیسی، *تاریخ البیمارستانات فی الإسلام*، ص ۵.

۴. همان، ص ۱۶.

۵. ابن‌ابی‌اصبیعه، *عيون الانباء في طبقات الأطباء*، ص ۱۸۱.

۶. ابوالفرج اصفهانی، *الاغانی*، ج ۱۳، ص ۲۳۱.

۷. ابن‌ابی‌اصبیعه، *عيون الانباء في طبقات الأطباء*، ص ۱۸۱.

به نقش قابل توجه مشرق زمین در پیشرفت علوم و مرکزیت سیاسی، فرهنگی و علمی در عصر طلایی اسلام، بررسی این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با شکل‌گیری تمدن اسلامی، سراسر سرزمین‌های مسلمین، شاهد شکوفایی علم و ادب و رشد دانشمندان بسیاری بود، عوامل بسیاری در شکوفایی تمدن عباسیان نقش داشته است و به هیچ عنوان نمی‌توان نقش زنان را در پیشرفت و تأثیرگذاری و تحول آفرینی علوم مختلف انکار کرد. زیرا گسترش قلمرو خلافت، سبب حضور زنانی از دیگر ملل و نژادها در دربار عباسی شد که تأثیرات بسیاری بر روند تمدنی این عصر گذاشت. با این وجود یکی از مهم‌ترین مشکلات تاریخ زنان، پیدا کردن نام بانوان تأثیرگذار در حوزه‌های مختلف علوم است، هرچند باید توجه داشت که در این دوره شرایط برای حضور آشکار زنان در امور پزشکی آماده نبوده است و این امر، دشواری پژوهش در تاریخ زنان را نشان می‌دهد. ولی معمولاً در حرم‌سرا چندین خانم در زمینه‌های پزشکی و درمان بیماری‌های زنان و قابلگی، دارای مهارت و تخصص بودند و به بعضی از علوم پزشکی نظری نیز آشنایی داشتند که وظیفه درمان زنان باردار و نگهداری از نوزادان، به عهده آنان بود. در آن دوره در کنار طبیبان – به خاطر حفظ مسائل شرعی – همیشه یک قابله حضور داشت که گاهی اعمال جراحی نیز انجام می‌داد و این امر تا حدی طبابت مردانه و زنانه را از هم مجزا می‌ساخت. هرچند کار قابلگی و مامایی کاملاً محدود به زنان نبود و در جراحی‌ها و زایمان‌های دشوار، اغلب مردان پزشک همکاری می‌کردند، زیرا زنان از نظر اطلاعات نظری، آموزش‌های لازم را نداشتند. مراجعه زنان به همیگر در مشکلات زایمان و شیر دادن به نوزاد و مسائل مربوط به آن و بیماری‌های کودکان و شیوه‌های درمانی، امری رایج بوده است و مورخین و پژوهان، از طبیبه‌های بسیاری بدون ذکر نام یاد کرده‌اند که جراحی و طبابت انجام می‌دادند.

### نقش زنان طبیب و جراح در علم پزشکی عصر عباسی

تبیحر زنان در امور پزشکی و خصوصاً جراحی را می‌توان از سخنان خلف بن عباس الزهراوی پزشک و جراح قرن چهارم دریافت. او درمان بیماری‌های زنان، جراحی مجرای ادرار و جراحی سنگ مثانه را اختصاصاً توسط طبیبه و در صورت عدم حضور طبیبه، توسط یک ماما، همراه با یک پزشک که به او دستورات لازم را می‌دهد، امکان پذیر می‌داند<sup>۱</sup> و این امر نشان می‌دهد که در آن ایام ماماهای زنی وجود داشتند که دارای تعلیمات عالیه پزشکی و تخصص جراحی بودند و جراحی‌های زنان را انجام می‌دادند.

---

۱. الزهراوی، الجراحة، المقالة الثالثون من التصريف لمن عجز عن التأليف، ص ۲۹۰.

الگود، با توجه به این پیشینه و کتاب جراحی ایلخانی معتقد است که عنوان طبیبه به ماماهای اطلاق می‌شد که دارای مقام علمی بالاتری از حد معمول بودند.<sup>۱</sup>

طبری در حوادث سال ۲۹۰ ق از زنی طبیبه یاد می‌کند که معالج بیماری زنان و معالج جراحات و زخم بود. شرح ماجرا آن است که زنی زخمی، که خود قابله بوده است، به ابوالحسن کحال مراجعت می‌کند و بر شانه‌اش زخمی بوده و کحال او را نزد طبیبه هدایت می‌کند و زن زخمی توسط طبیبه معاینه می‌شود و طبیبه بر زخمش مرهم می‌گذارد. وقتی کحال وضعیت زنی که کتفش زخمی شده بود را از طبیبه می‌پرسد وی با توجه به معاینتش در تشخیص نهایی، وضعیت زن را وخیم ارزیابی می‌کند.<sup>۲</sup>

تنوخي نیز نقل می‌کند که پیرزنی درمانگر در روستایی نزدیک به مابروان از توابع شهر انبار، «بثورات» روی پایش را به وسیله پماد درمان کرده است و تشخیص پیرزن، بیماری «دروک» بوده است و مرهمی بر روی زخم قرار داده که سه روز بر روی آن بماند و پس از سه روز آن را از روی زخم بردارد تا بهبود بیابد.<sup>۳</sup>

زهراوی در قرن چهارم، تشخیص انواع بیماریهای زنانه، مشکلات بارداری، چگونگی درمان آنها و زایمان‌های مشکل و غیرطبیعی را به مهارت و تخصص زنان ماما وابسته می‌داند.<sup>۴</sup>

گاهی درمانگری طبیبه‌ها، در برابر درمان پزشکان مشهور مطرح می‌شد، چنانچه جوزجانی در کتاب *زندگی ابن‌سینا* از زنی طبیبه یاد می‌کند که در مقابل ابن‌سینا که سردرد خودش را با بسته یخ درمان کرد، زن طبیبه سردرد خود را با مصرف عسل گل رز درمان کرد.<sup>۵</sup>

با توجه به موارد ذکر شده به نظر می‌رسد که زنان در این دوره اغلب در شاخه‌های پزشکی مانند جراحی، شکسته‌بندی، کحالی، بیماری‌های زنان و قابلگی تبحر داشتند. تخصص زنان در کحالی بیشتر نمود داشته است، در واقع، زنان زیادی به عنوان چشم‌پزشک کار می‌کردند، و این شاید برگرفته از ظرافتی باشد که در چشم‌پزشکی وجود داشته است. اما این امر که با چه روش‌هایی معالجه انجام می‌دادند، ناشناخته است.<sup>۶</sup> مثلاً یکی از زنان کحاله در فهرست دریافت‌کنندگان مقرری بیمارستان بوده، زبرا او جزء طبقه پایین جامعه است و نیز فتوای فقهی قاضی ابن‌زیاد (م. ۹۲۴) به عمل

۱. الگود، طب در دوره صفویه، ص ۲۴۰.

۲. طبری، تاریخ الأئمہ والملوک، ج ۱۰، ص ۱۰۳ - ۱۰۰.

۳. تنوخی، نشوار المحاضرة وأخبار المذاکرة، ج ۲، ص ۹۴.

۴. الزهراوی، التصویف لمن حجز عن التألف، ص ۲۷، ۷۵، ۸۵۷، ۸۴۵، ۸۶۷ و ۸۸۶.

۵. جوزجانی، احوال الرجال، ص ۷۵ - ۷۲.

۶. ابن‌ابی‌اصبیعه، عیون الانباء فی طبقات الأطیاء، ج ۱، ص ۱۸۱.

پزشکان زن (طبیبه)، اشاره دارد. همچنین پورمن نیز گزارشی از طبابت زنان آورده است بدین بیان که زنی، دختری را درمان کرد و نزاع بین طبیبه و مادر دختر برسر مبلغ معالجه در گرفت.<sup>۱</sup>

### جایگاه زنان طبیبه در جامعه عصر عباسی

با وجود اینکه زنان این عرصه به عنوان درمانگر سنتی و خودآموز و مراقبت کننده، اساساً جزو جامعه گستردگر سلامتی، محسوب می‌شدند اما همیشه درمانگری زنان، با استقبال پزشکان مرد روبرو نمی‌شد و از پزشکان زن بندرت در کتب پزشکی عصر عباسی روایت شده است. گرچه این قبیل پزشکان به این واقعیت تأکید می‌کردند که گاه درمانگرهای زن رقیب بالقوه قادرمندی برای همتایان مرد، محسوب می‌شوند و مراجعان بسیاری دارند. رازی درباره زنانی که بیماران او را شکار می‌کنند، چند نمونه عینی، ارایه می‌نماید و در یکی از خاطرات پزشکی خود می‌نویسد: یکی از کارمندان بیمارستان او به علت زخمی که در یکی از انگشتان خود داشت و نمی‌توانست آن را حرکت دهد، به اوی مراجعه کرد و چون رازی از درمان آن عاجز شد، مرد بیمار علناً به دشنام او پرداخت و گفت: تو که نمی‌توانی یک زخم کوچک انگشت را درمان کنی چگونه می‌خواهی دنده‌ها و دست‌های شکسته مردم را بهبود بخشی؟ رازی سپس اضافه می‌کند که این شخص به جهت نرسیدن به نتیجه مطلوب، از سوی رازی به اطبای زن مراجعه می‌کند و خود را درمان می‌کند.<sup>۲</sup>

موفقیت طبیبه‌ها از یکسو و حضور زنان درمانگر خانگی از سوی دیگر و بازار داغ پزشکان غیرحاذق در عرصه پزشکی، رازی را بر آن داشت که کتابی در این باب بنویسد: «رسالة في أن الصانع المتعلم بصناعته مَعْدُوم فِي جَلِّ الصناعات لَا فِي الْطَّبِّ خَاصَّةً وَالْعَلَّةُ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا صَارَ يَنْجُحُ جَهَالُ الْأَلْيَاءِ وَالْعَوَامُ وَالْسَّاءُ فِي الْمَدْنِ فِي عَلاجِ بَعْضِ الْأَمْرَاضِ أَكْثَرَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَعَذْرُ الطَّبِيبِ فِي ذَلِكِ» یعنی: «رساله‌ای درباره اینکه پیشه‌ور آشنا به کار خود در همه هنرها و پیشه‌ها نایاب است، نه تنها در فن پزشکی؛ چگونه پزشکان غیرحاذق، مردم عادی و زنان در برخی شهرها در معالجات خود بیش از پزشکان دانشمند موفق می‌شوند و بیان عذر پزشک».<sup>۳</sup>

رازی در این رساله و چند رساله دیگر، از دخالت عوام‌الناس و زنان در امور پزشکی انتقاد می‌کند و بر عدم اهلیت پزشکی آنان تأکید می‌کند و در این باب، از فردی یاد می‌کند که از سنگ صفراء رنج می‌برد و رازی او را درمان کرد درحالی‌که پیش از مراجعه به او، مدت زمانی طولانی تحت درمان

۱. پورمن، پزشکی اسلامی در دوره میانه، ص ۱۸۶.

۲. الگود، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۸۸.

۳. ابن ابی اصیبیعه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ص ۴۲۵.

زنان بوده؛ بیمار وقتی درمانگر زن را تغییر داد و برای درمان به رازی رجوع کرد، در مدت کوتاهی معالجه شد. به این دلیل او درمانگری زنان را نامرتبط تلقی می‌کند<sup>۱</sup> و آن را هم‌ردیف نسخه‌دادن جهال و عوام مطرح می‌کند. با این حال از دو منظر می‌توان این کتاب را مورد بررسی قرار داد:

اول اینکه گاهی زنان و مردم عوام از پزشکان معروف در امر درمان موفق‌تر بوده‌اند چراکه پزشکی تجربه بود و ممارست در تجربه، لذا گاهی درمانگران محلی حاذق‌تر می‌باشند. دیدگاه دیگر که مورد توجه بعضی از پزشکان مرد بوده این است که زنان در امر پزشکی – که به گمان آنها حرفه‌ای مردانه بوده است – دخالت می‌کردند. البته در بسیاری از موارد، پزشکان مرد، ناگزیر از همکاری با طبیبه‌ها بوده‌اند، همان‌طور که رازی در کتاب *الحاوی* ضمن نقل حکایات و خاطرات پزشکی، ماجراهی سقط جنین زنی (همسر ابویسی) را نوشته است که جهت معاینه و انجام امور درمانی، از یک زن ماما کمک گرفته است<sup>۲</sup> و در این بخش بر توفیق آنان در علم پزشکی صحه می‌گذارد و این امر بیانگر مبارزه سرسختانه زنان برای کسب علم پزشکی و درمان بیماران و حضور اجتماعی در جامعه آن روز بوده است.

با وجود خدمات ارزنده زنان در حوزه پزشکی، گاه بعضی پزشکان مرد، طبیبه‌ها را از دسته شیادان و جادوگران می‌دانستند که به دختران جوان داروی «مهر و محبت» می‌دهند و یا بیمارانی را که از درمان توسط پزشکان نالمی‌دند، شیادانه به سمت خود جذب می‌کنند. انجام امور درمانی توسط کاهنه‌ها و زنان جادوگر سبب شد که امور پزشکی گاهی جلوه مرموزانه و ماوراء‌النهر و ترکستان را مدعی پری‌داری می‌داند که به‌وسیله ارتباط با اجنه، بیماری را از بدن بیماران بیرون می‌کنند.<sup>۳</sup>

ابن خلدون معتقد است که در اجتماعات بادیه‌نشین، نوعی پزشکی وجود دارد که غالباً بر تجربیات کوتاه و کم‌امنه برخی از اشخاص مبتنی است و آن طب به‌طور وراشی از مشایخ و پیرزنان قبیله، نسل به نسل به فرزندانشان منتقل می‌شود. چهسا که بعضی از بیماران به‌سبب آن بهبود می‌یافتد، ولی نه بر حسب قانون طبیعی و نه موافق با مزاج بوده است؛ قبایل عرب از اینگونه تجارب طبی بهره وافری داشتند.<sup>۴</sup>

### جایگاه زنان طبیبه در منابع ادبی عصر عباسی

در کنار منابع تاریخ پزشکی، منابع ادبی نیز در ترسیم وضعیت اجتماعی بسیار مؤثر بودند و در پاره‌ای

۱. پورمن، پزشکی اسلامی در دوره میانه، ص ۱۸۵ – ۱۸۴.

۲. رازی، *الحاوی*، ج ۴، ص ۵۲۲.

۳. جوینی، *تاریخ جهانگشای جوینی*، ج ۱، ص ۸۵.

۴. ابن خلدون، *مقدمة*، ج ۲، ص ۱۰۳۴.

موارد اطلاعات در خوری ارائه داده‌اند، در میان این کتاب‌ها اثر داستانی هزار و یک شب با وجوده غالب ادبی و برخورداری از صنعت استعاره، و تخیل متکی بر واقع آن، می‌تواند تصویری کلی از مشارکت و تکاپوهای درمانی زنان، حتی در حد مطلوب ارائه دهد. هرچند این مجموعه ادبی، به عنوان یک سند تاریخی مورد توجه نیست، اما به عنوان منبع کمکی تاریخی، برای درک بهتر وضعیت اجتماعی، قابل استفاده است و می‌تواند شاهدی بر وقایع آن روزگاران باشد. در این کتاب از کنیزی حاذق و دانشمند در عصر هارون الرشید به نام تودد نام برد که اطلاعات پزشکی فوق العاده ای دارد و با پزشک دربار مناظره می‌کند و او را شکست می‌دهد. پاسخ‌های کنیزک به سؤالات پزشک دربار درخصوص چگونگی و تشریح اندامها و شناسایی استخوان‌ها، طبایع و مزاج‌ها، شعب و شاخه‌های رگ‌ها و روح و حواس پنجگانه انسان، دردشناسی، علائم ظاهری و باطنی بیماری، پرهیز و رژیم غذایی، نشانه‌های صحبت و راز تندرنستی، فایده و ضرر انواع طعام، نشانه آگاهی یک کنیزک باسواند از حوزه پزشکی است.<sup>۱</sup> همچنین در این کتاب از طبیبه زیباروی حاذقی به نام شیخه راجحه نام برد شده که هرگاه شیخ طبیب – که به علم طب، معرفت تمام داشت و صاحب فراست و فطانت بود – از معالجه بیماران نامید می‌شد، بیمار را برای درمان نزد شیخه راجحه می‌فرستاد و او از جانب ابوالعباس خضر به شفا دادن بیماران مأذون بوده است. معمولاً این بانوی پزشک، خود را با پرده‌ای از دید بیماران مرد محفوظ می‌داشت ولی گاهی اوقات هم به آنان اجازه می‌داد که در برابر او حاضر شوند.<sup>۲</sup>

نقاشی‌ها و تصاویر به جامانده در حیطه پزشکی در عصر عباسی، خصوصاً تصاویر زنان در حال طبابت و یا مشارکت در امر درمان، به‌علت تحریم صور تگری به‌ویژه صور تگری زنان در اسلام، بسیار محدود است. با این حال نقاشی‌های کتاب مقامات حریری و جراحی ایلخانی که دست‌کم دو قرن پس از عباسیان نوشته شده است، تصاویر از زنان را در امور پزشکی نشان داده است و شاید بتوان به این نقاشی‌ها از این منظر استناد کرد که این تصاویر عمومی است و نمی‌تواند مختص یک دوره خاص بوده باشد و تلقی هنرمندان و تصویرگری یک فضای عمومی که از قبل بوده است و کماکان در عرصه خدمات درمانگری وجود دارد، گونه‌ای تداوم را به ذهن متبادر می‌کند و بیانگر فعالیت‌های زنان در عصر تصویرگر، و نیز قرون گذشته بوده است. تصاویر کتب ادبی به‌ویژه شاهنامه و یا کتب داستانی و همچنین تصاویر موجود بر روی ظروف باقیمانده از آن دوران، می‌تواند به عمدۀ فعالیت زنان در این حوزه اشاره نماید (نمونه این تصاویر در قسمت پیوست موجود است).

۱. طسوچی تبریزی، هزار و یک شب، ج ۳، ص ۱۲۴ – ۱۱۸.

۲. همان، ج ۵، ص ۴۴۹.

### نقش زنان در تدوین کتب پزشکی

یکی از نکات قابل توجه در حوزه سلامت مادر و کودک و اهمیت به این مسئله، سفارش و توصیه به تألیف کتاب و یا ترجمه توسط پژوهش مؤلف بوده است. در دوره عباسیان به منظور حفظ سلامتی و ترویج خدمات پزشکی، گاه زنان درباری سفارش به ترجمه و یا تألیف کتاب پزشکی داده‌اند، چنان‌که فقط مذکور می‌شود که به سفارش مادر متوكل «شجاع»، کتابی به نام *الموهودین لستة شهر* توسط حنین ابن اسحاق درباره نوزادانی که شش ماهه به دنیا می‌آیند، نوشته یا ترجمه شده است؛ به نظر می‌رسد که این کتاب در زمرة نخستین مراجع علمی پزشکی در حوزه سلامت و درمان نوزادان باشد که به درخواست یک زن صاحب نام چون مادر خلیفه تألیف شده است.<sup>۱</sup> علاقه مادر متوكل به تألیف چنین کتابی پزشکی، در باب نشان می‌دهد که برخی از بانوان در فعالیت مستقیم عرضه، انتقال و تخصص دانش پزشکی دخیل بوده‌اند. چنان‌که با حمایت شجاع مادر متوكل از کتاب پزشکی حنین بن اسحاق، به روند انتقال این شاخه از علم پزشکی به آیندگان، کمک بسیاری شده است. بی‌تردید حمایت و پشتیبانی مالی و حتی فکری در تألیف یک اثر، به اندازه خود اثر می‌تواند در ترویج دانش مؤثر باشد.

### نقش زنان در خدمات عام‌المنفعه پزشکی در عصر عباسی

در عصر عباسی، زنان درباری در حوزه خدمات پزشکی توانستند با انجام خدمات عام‌المنفعه و خیریه، به عنوان الگویی کارآمد برای دیگر زنان در سطوح مختلف اجتماعی قرار بگیرند، همچنین زنان ثروتمند این دوره، با آزادی عمل، ثروت خود را صرف امور خیریه می‌کردند. زنان سایر سرزمین‌های غیرمسلمان که وارد جامعه اسلامی شدند نیز تحت تأثیر فرهنگ و تمدن کشورهای اسلامی قرار گرفتند و به تبعیت از آنان اقداماتی مانند وقف و خدمات عام‌المنفعه انجام دادند که بارزترین این زنان، بانوان دربار سلجوقی بودند. این خدمات در قالب‌های متفاوتی در این دوره ارائه شده است که عبارتند از:

#### ۱. تأسیس و یا تأمین مالی بیمارستان

یکی از اقدامات بانوان در عصر عباسی، تأسیس بیمارستان و یا تأمین مالی فعالیت‌های بیمارستانی است که به عنوان بخشی از روند انتقال دانش پزشکی بسیار حائز اهمیت است. حمایت زنان از درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها، سبب دسترسی بهتر آحاد جامعه به خدمات پزشکی و تأمین هزینه‌ها، موجبات ارتقاء کیفیت آن شد. بیمارستان‌ها معمولاً دو قسمت کاملاً جداگانه داشته‌اند و به دلیل

۱. قطبی، *تاریخ الحکماء*، ص ۲۳۹.

احکام شرعی - که بر پوشیدگی زنان تأکید دارد - این امر ضروری بود که پرستاران و خدمتگزاران، هم‌جنس بیمار باشند، گرچه پزشکان و جراحان همه از مردان بوده‌اند. قطعاً زنانی که در طول دوره عباسی - از شرق امپراتوری اسلامی تا غرب آن - به تأسیس بیمارستان اقدام نموده‌اند، بسیارند که در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

#### یک. بیمارستان بدر (مادر متوكل)

شجاع مادر خلیفه متوكل عباسی از اولین بانوانی است که اقدامات او از جمله سفارش ترجمه یا نگارش کتاب پزشکی و همچنین کمک مالی به بیمارستان به صورت مستقیم در منابع شرح داده شده است. او برای تأمین مالی فعالیت بیمارستان بدر در بغداد - که توسط بدر، رئیس ارتش تأسیس شده بود - اموالی را به صورت رسمی وقف کرد که امور خیریه از جمله این وقفیات در دست ابی‌الصقر و هب بن محمد الکلوذانی بود و قسمتی از آن به بیمارستان اختصاص داشت.<sup>۱</sup>

#### دو. بیمارستان شغب (مادر مقتدر)

بعد از تأسیس بیمارستان بدر، در مدت کوتاهی چندین بیمارستان دیگر در بغداد تأسیس شد. یکی از بزرگترین آنها بیمارستان شغب، مادر خلیفه مقتدر است که در سال ۳۰۶ ق در رصافه ساخته شد و طبیب و مورخ مشهور أبوسعید سنان بن ثابت آن را افتتاح کرد و اداره بیمارستان به او سپرده شد. در آن زمان پزشکان پس از قبولی در امتحان، از وی اجازه‌نامه پزشکی دریافت می‌کردند. وسعت و دامنه خدماتی که بیمارستان شغب برای بیماران ارائه می‌داد را با توجه به مقرری ماهانه‌ای که ام‌المقتدر برای آن قرار داده بود می‌توان تا حدی حدس زد، زیرا بیمارستان مقتدر که همزمان با آن ساخته شد، ۲۰۰ دینار در ماه مقرری داشت، درحالی که در بیمارستان شغب ۶۰۰ دینار هزینه می‌شد که در دست یوسف بن یحیی المنجم بود. ابن‌تغیری بردى، مبلغ مقرری سالیانه را هفت هزار دینار نوشته است که در مقابل مقرری بیمارستان مقتدر مبلغ قابل توجهی است.<sup>۲</sup>

#### سه. بیمارستان ترکان خاتون

ترکان خاتون (۴۸۷ ق) دختر طفجاجخان پادشاه سمرقند و همسر ملکشاه سلجوقی بود. وی آثار و ابنيه زیادی مانند مسجد، مدرسه و بیمارستان در سرتاسر قلمرو حکومت خود و همسرش بنا نهاد<sup>۳</sup> که اطلاعات دقیقی از بیمارستان او در دست نیست.

۱. عیسی، *تاریخ البیمارستانات فی الإسلام*، ص ۱۸۰.

۲. ابن ابی اصیبعة، *عيون الأنباء فی طبقات الأطباء*، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. راوندی، *راحة الصدور*، ص ۱۳۳.

#### چهار. بیمارستان قتلغ ترکان

ترکان خاتون ملقب به عصمتالدین قتلغ ترکان زنی کاردان و فرمانروا بود که در طی دوران حکومت همسرش و خودش در کرمان، اقدامات عام‌المنفعه زیادی انجام داد که از جمله آنها ساخت بیمارستان بوده است.<sup>۱</sup>

#### پنج. بیمارستان کوهی خاتون

بیمارستان قیسarieh<sup>۲</sup> منسوب به کوهی خاتون دختر قلیج ارسلان سلجوقی است که در سال ۶۰۲ق آن را ساخته و به مدرسه «شفائیة غیاثیة» معروف است، زیرا با دستور غیاث‌الدین پسر قلیج ارسلان و بنا بر وصیت کوهی خاتون ساخته شده و با توجه به اینکه نام مدرسه نیز بر آن اطلاق شده است، احتمالاً این بیمارستان، مرکز آموزشی نیز بوده است. بر روی بیمارستان به خط سلجوقی نوشته شده است: «أیام السلطان المعظم غیاث الدین والدین کیخسرو بن قلیج ارسلان سنة ۶۰۲ق». با توجه به شواهد زمانی و مکانی، احتمال دارد که این بیمارستان همان دارالشفای «جوهر نسیبه خاتون» باشد که با عنوان «بیمارستان گوهر نسیبه سلطان» تأسیس شد.<sup>۳</sup>

#### شش. بیمارستان دیورکی<sup>۴</sup>

این بیمارستان به سفارش توران خاتون همسر احمدشاه رانشمندی، از دستنشاندگان سلاطین سلجوقی در سال ۶۱۴ق ساخته شده است و خوشبختانه تا به امروز باقی مانده است.<sup>۵</sup>

#### ۲. اهدا دارو

فعالیت‌های خیرخواهانه بانوان صدر عباسی یک الگوی موفق برای زنانی بود که بعدها از نظر سیاسی قدرتمند شدند. بانوان خیر این دوره با ارائه خدمات گوناگونی دست به فعالیت زدند؛ تخصیص دارو برای زائران و حمل زائران بیمار به وسیله شتران وقف شده در مسیر سفر حجاج،

۱. مستوفی، *تاریخ گزیده*، ص ۵۳۲ - ۵۳۰.

۲. قیصریه: شهری است در ترکیه در جنوب شرقی آنکارا و در ساحل رودخانه قره‌سو که در مغرب سیواس قرار دارد.  
(فرهنگ معین / اعلام)

۳. عیسی، *تاریخ البیمارستانات فی الإسلام*، ص ۲۷۰.

۴. بالانیان و دیگران، بازشناسی ویژگی‌های معماری ایوان و بازنای آن در معماری عثمانی، ش ۲۵، ص ۵۸.

۵. شهری در شرق استان سیواس ترکیه. (طاووسی و جلالی، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۸)

۶. عیسی، *تاریخ البیمارستانات فی الإسلام*، ص ۲۷۵.

یکی از این خدمات بود. شعب مادر مقتصد، مبلغی را برای توزیع دارو به زائران حج اختصاص داد و در دوره‌های بعد این سنت ادامه پیدا کرد و زنان، خدمات قابل توجهی برای زائران بیمار انجام دادند. به طور کلی، دادن پول به مؤسسات خیریه مختلف به نفع زائران، یک عرف گسترده در بین مادران خلفاً و امرا بود.

یکی دیگر از خدمات پژوهشی این دوره، اهدا داروها و معجون‌ها به بیمارستان است، چنان‌که وقی مادر زمردختون (یا خود زمردختون) فوت کرد، داروها و معجون‌هایش را به بیمارستانی در بغداد دادند. بدیهی است که انجام دادن این گونه امور نیازمند روحیه خاص، توان مالی، حق تملک و اقتدار اجرایی بوده، که بیانگر استقلال مالی و فکری بانوان است، هرچند که گاه از درون حرم‌سراها و به صورت غیررسمی نقش خود را ایفا می‌کردند.<sup>۱</sup>

### ۳. ارتقاء بهداشت عمومی در جهت جلوگیری از شیوع بیماری‌ها

زنانی که در دربار عباسی زندگی می‌کردند، به‌دلیل برخورداری از امکانات مادی، در زمینه اقدامات عام‌المنفعه نیز بسیار فعال بودند. برخی از این زنان در ضمن سفرهایی که به مناطق مختلف دارالخلافه انجام می‌دادند، به کارهای اصلاحی و عمرانی از جمله ایجاد حوضچه‌ها، سقاخانه‌ها و احداث و تعمیر حمام و ... می‌پرداختند و بعضی با ارائه خدمات بهداشتی، به نیازمندان در جهت بهبود وضعیت بهداشت و پیشگیری از شیوع بیماری، اقداماتی انجام می‌دادند. چنان‌که زبیده در سفر حج در سال ۱۸۶ ق وقی متوجه کم‌آبی در مکه شد، جهت آوردن آب شرب سالم دستور داد تا مهندسان و کارگران، آب دیگر مناطق را به منطقه مکه روان کنند.<sup>۲</sup>

همچنین مردم مکه از آب قنات‌هایی استفاده می‌کردند که زبیده دستور ساخت آنها را داد و این بسیار امر مهمی است که زنی در قصر این گونه در جهت تأمین آب آشامیدنی سالم و عدم استفاده از آبهای آلوده برای حفر برکه و ساخت منبع‌های آب تلاش کند و آب را با لوله به شهر آورد تا مردم از آن بنوشند.<sup>۳</sup>

همچنین زبیده برای فعالیت‌های خیرخواهانه خود، بیمارستانی به نفع زائران در مسیر مکه ساخت. توجه زبیده به امور درمانی تا آنجاست که در باب وجه تسمیه شهر تبریز، نقل است که زبیده به علت

1. Medical Services and Abbasid Ladies. Keren Abbou Hershkovits Ben Gurion University, Haifa University Sapir College. P. 126.

2. ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۳۴۲.

3. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۴۷.

بیماری، دچار تب بالایی شد که توسط یک پزشک درمان شد و به درخواست وی، شهری به نام تبریز (تب = ریز) بنا گردید.<sup>۱</sup> پس از زبیده، زنان بسیاری این راه را در جهت جلوگیری از آلودگی آب و پیشگیری از شیوع بیماری‌ها ادامه دادند، از جمله سیده مادر مقندر، در سفر حج برای حفر چاه‌های آب آشامیدنی و بازسازی حوضچه‌ها و تأمین حقوق پزشکان، هزینه بسیاری صرف کرد.<sup>۲</sup> سلجوقه خاتون، همسر نورالدین، والی آمد، به همراه مادر معزالدین (حاکم شام) و دختر دقوس حاکم اصفهان در سال ۵۷۹ قمری به سفر حج رفتند و کارهای خیر و نیک این سه خاتون بسیار زیاد است، آنان در سفر مکه تسهیلات فراوانی برای سفر حاجیان ایجاد کردند و سقاخانه‌هایی که آب رایگان به حاجاج می‌دادند حدود ۳۰ شتر و دولاب آبکشی داشتند تا جایی که حتی در عرفات و مسجدالحرام - در شب و روز - آب رایگان به حاجیان رسانده می‌شد.<sup>۳</sup>

یکی دیگر از بانوان واقف در عصر عباسی، زمرد خاتون از همسران خلیفه المستضی بامر الله بود که دستور ساخت مخازن آب را داد و به امور مربوط به برکه‌ها رسیدگی می‌کرد.<sup>۴</sup> ارسلان خاتون همسر ملکشاه سلجوچی نیز دستور احداث قنات‌هایی در شهرهای دامغان، ری و قزوین را داد و سلسله قنات‌هایی در شهر یزد احداث کرد که تمام مردم شهر از آب آن استفاده می‌کردند.<sup>۵</sup>

### حمایت زنان درباری از پزشکان عصر عباسی و تأثیر آن بر پزشکان

در این دوره تحولات بسیاری در علم پزشکی به وجود آمد. زنان صاحب منصب مانند خیزران، زبیده و ... قدرت انتخاب پزشک مرد را داشتند و هر طور که مایل بودند به آنها بذل و بخشش می‌کردند.<sup>۶</sup> به نظر می‌رسد که ارتباط نزدیک بانوان درباری با پزشکان، یکی از انگیزه‌های خدمات بهداشتی و پزشکی زنان بوده است.

حمایت بسیار زیاد زنان عصر هارون الرشید از جبرئیل طبیب و همچنین حمایت قبیحه مادر خلیفه معتز از ابراهیم بن ابرش طبیب در منابع آورده شده است.<sup>۷</sup>

۱. بناتکی، *تاریخ بناتکی*، ص ۱۵۲.

۲. سولاف، *دورالجواری و القهرمانات*، ص ۱۲۱.

۳. ابن جبیر، *رحلة ابن جبیر*، ص ۲۸۱ - ۲۸۰ و ۲۳۲ - ۲۲۹.

۴. مصطفی، *سیدات البلاط العباسی*، ص ۱۷۵.

۵. کاتب، *تاریخ جدید یزد*، ص ۶۲ - ۵۹.

۶. ابن ابی اصیبیعه، *ترجمه عيون الانباء فی طبقات الأطباء*، ج ۱، ص ۳۴۸.

۷. همان، ص ۴۲۷.

درباره جایگاه پزشکان نزد بانوان دربار و میزان نفوذ آنها در دستگاه خلافت عباسی، گفته می‌شود که عیسی الطبیب البغدادی در ایام مقندر، طبیب «ریدان» قهرمانه بود و عرايضی که نزد وزرا جمع می‌شد را مطالعه می‌کرد و هر کدام که صلاح می‌دانست را به دست قهرمانه می‌رسانید تا به خلیفه گزارش شود.<sup>۱</sup>

### نتیجه

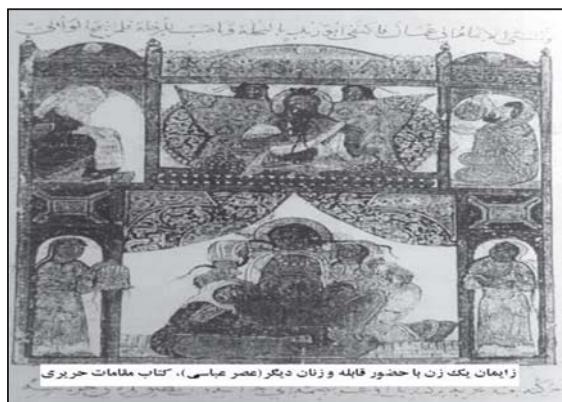
متکی بر منابع تاریخی، عصر خلافت عباسیان یکی از مهمترین ادوار تاریخ پزشکی بوده است زیرا با گسترش قلمرو امپراتوری اسلامی و برداشتن مرزهای تمدنی در سایه ایجاد گفتمان علمی در مراکز مفتوحه - بهویژه ایران - با میراث کهن جندی‌شاپور، شامات با میراث علمی مدارس حران، نصیبین، انطاکیه و رها (اروفا) و تسريع انتقال علوم از اسکندریه و هند به بیت‌الحکمه و ورود دانشمندان به بغداد به عنوان پایتخت این خلافت بزرگ با مدیریت دانشی ایرانیان و همه دانشمندان کم‌ادعای دیگر تمدن‌ها، رفتارهای علم و به تبع آن علم پزشکی، پیشرفت شایانی کرد. در این توسعه و دامن گستری علمی، نقش همه اقشار جامعه بهویژه زنان - به عنوان فعالان عرصه درون و بیرون خانه - نبایستی نادیده گرفته شود. بنابراین تحقیقات درباره نقش و تکاپوهای آنان نشان داد که: زنان به عنوان مدیر و مسئول امور خانه که شأنی منزلتی برای زنان خانه‌دار است، مسئول مستقیم حفظ سلامتی اعضای خانواده هستند، ناظر به درمانگری سنتی متکی بر درمان‌های خانگی، می‌توان زنان را پیشگام و گاه مبدع در ترویج علم پزشکی تجربی خانگی دانست. زیرا با شناخت طبع خوارکی‌ها، استفاده از گیاهان دارویی، پرستاری، پیشگیری و تشخیص و درمان بیماری‌ها، خصوصاً طب زنانه و نگهداری از نوزادان، در ارائه خدمات پزشکی مؤثر بوده‌اند. تحقیقات نشان داد که یکی از حیطه‌های تخصصی بانوان در امور پزشکی که تا قرن‌ها در انحصار زنان بوده، حوزه مامایی و قابلگی بوده است که با ظهور اسلام و موضوع محارم و حفظ حرمت زنان، این موضع مؤکداً مورد حمایت اسلام قرار گرفت و تا به امروز هم زنان در این عرصه تخصصی پیشتراند. حفظ سلامت مادر و کودک و نیز نگهداری از مادر (زاده) در ۱۰ روز و یا ۴۰ روز در فرهنگ عامه و همچنین تاریخ پزشکی جایگاه خاصی دارد، علاوه بر این پرستاری و نگهداری از سالم‌مندان و یا بیماران لاعلاج و معلولان نیز از مهم‌ترین خدمات پزشکی زنان در طی قرن‌ها بوده است.

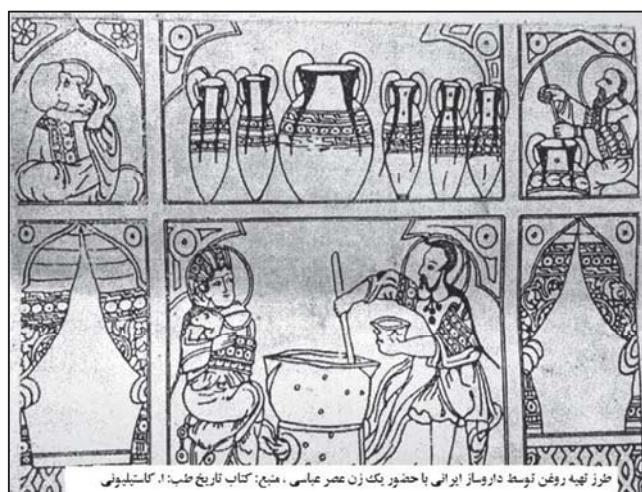
بررسی‌های تاریخی نشان داد که دانش پزشکی بر سنت تاریخ شفاهی استوار است و عمده‌تاً چون

۱. قسطنطیل، *تاریخ الحکماء*، ص ۳۴۲.

علمی تجربی و متکی بر مشاهده بوده است، از پدر به پسر و از مادر به دختر منتقل می‌شده است، براین اساس انتقال تجارب اغلب به صورت موروثی و از نسلی به نسل دیگر صورت می‌گرفت. تحقیقات صورت گرفته نشان داد که در عصر عباسیان، زنان، با نفوذ به عرصه قدرت و سیاست، نقش بسزایی در خدمات عام‌المنفعه پزشکی ایفا کرده‌اند و فعالیت‌های عام‌المنفعه و تخصیص موقوفات بسیاری چون ساخت شفاخانه، مریض‌خانه و بیمارستان، تأمین خدمات پزشکی برای نیازمندان و زائران و حجاج حرمین شریفین، تأمین خدمات بهداشتی به منظور جلوگیری از شیوع بیماری‌ها و اهداء داروها و معجون‌ها به بیمارستان‌ها، با حمایت‌های مالی فراوان و به امر زنان درباری و یا با حمایت آنها انجام شد. نتیجه مشارکت زنان در حوزه پزشکی و خدمات مربوط به آن سبب شد تا حضور این زنان در بهبود وضعیت بهداشتی بانوان درباری و به‌تبع آن، زنان سایر طبقات مؤثر باشد.

### پیوست





### منابع و مأخذ

۱. ابراهیم حسن، حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۷۱.
۲. ابن ابی اصیبیعه، أبوالعباس، *عيون الانباء فی طبقات الأطباء*، المحقق نزار رضا، بیروت، دار مکتبة الحياة، بي تا.
۳. ابن ابی اصیبیعه، أبوالعباس، *عيون الانباء فی طبقات الأطباء*، ترجمه جعفر غضبان، تهران، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران و ... ، ۱۳۸۶.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد، *اسد الغافیه*، به کوشش علی محمد معوض، بیروت، دار الكتب العلمية، ق. ۱۴۱۵.

۵. ابن جبیر، محمد بن احمد، رحله ابن جبیر، بیروت، دار و مکتبة الہلال، بی تا.
۶. ابن جلجل، ابی داود سلیمان بن حسان الاندلسی، *تاریخ الاطباء والحمداء*، تحقیق فواد سید، بیروت، مؤسسه الرساله ۱۹۸۵ م.
۷. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، ترجمه گنابادی، تهران، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۸. ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الکبری*، ج ۸، محقق محمد عبدالقدیر عطا، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۹. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، *الأغانی*، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. بلاتیان، ندا و دیگران، «بازشناسی ویژگی‌های معماری ایران و بازتاب آن در معماری عثمانی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۲۵، سال دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
۱۱. بن‌اكتی، ابوسلیمان داود بن ابی‌الفضل، *تاریخ بن‌اكتی*، تصحیح جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.
۱۲. پورمن، پتر ای و ساواز اسمیت، *پژوهشی اسلامی در دوره میانه*، ترجمه قربان بهزادیان نژاد، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام. ۱۳۹۳.
۱۳. تنوخي، محسن بن علی، *نشوار المذاکرة وأخبار المذاکرة*، تحقیق أبوعلی البصری، بی جا، ۱۳۹۱ ق.
۱۴. جوزجانی، ابواسحاق، *حوال الرجال*، تحقیق عبدالعلیم البستوی، پاکستان، حدیث اکادمی، بی تا.
۱۵. جوینی، عطاملک بن بهاء الدین، *تاریخ جهانگشای جوینی*، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۵.
۱۶. رازی، أبوبکر محمد بن زکریا، *الحاوی*، المحقق هیثم خلیفة طعیمی، ج ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ۱۴۲۲ ق.
۱۷. راوندی، محمد بن علی، *راحة الصدور*، تحقیق محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۴.
۱۸. الزهراوی، خلف بن عباس، *التصریف لمن عجز عن التألهف*، تصحیح صبحی محمود حمامی، کویت، إدارة الثقافة العلمية، ۲۰۰۴ م.
۱۹. الزهراوی، خلف بن عباس، *الجراحة*، رائد، المقالة الثلاشون من التصریف لمن عجز عن التألهف، تحقیق عبدالعزیز ناصر الناصر، کلیه الطب جامعة الملك مسعود، بی جا، چ ۳، ۱۴۲۲ ق.

۲۰. الگود، سیریل، *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه دکتر باهر فرقانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱.
۲۱. سولاف، فیض الله حسن، *دور العجواری و القهرمانات فی دار الخلافة العباسیة*، بغداد، مکتبة عدنان، ۲۰۱۳م.
۲۲. صفوری، عبدالرحمن بن عبدالسلام، *نزهه المجالس و منتخب النفائس*، تحقيق عبد الوارث محمد على، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۹ق.
۲۳. طاووسی، سعید و میثم جلالی، *دانشنامه جهان اسلام*، زیرنظر غلامعلی حداد عادل، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، ۱۳۹۲.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم والملوک*، محقق محمد ابراهیم، بيروت، روانی التراث العربي، ۱۳۸۷ق.
۲۵. طسوجی تبریزی، عبداللطیف، *هزار و یک شب*، تهران، دنیای کتاب. ۱۳۸۷.
۲۶. العسقلانی، احمد ابن حجر، *الإصابة فی تمیز الصحابة*، تحقيق عادل أحمد و ...، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق.
۲۷. عیسی، احمد، *تاریخ البیمارستانات فی الإسلام*، بيروت، دار الرائد العربي، ۱۴۰۱.
۲۸. القرطبی، أبو عمر يوسف، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، المحقق على محمد البجاوی، بيروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
۲۹. قسطنطیلی، علی بن یوسف، *تاریخ الحکماء*، گردآورنده بهین دارایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ و ۱۳۴۷.
۳۰. کاتب، احمد بن حسین، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اندیشه، ۱۳۸۴.
۳۱. الگود، سیریل، *طب در دوره صفویه*، ترجمه محسن جاویدان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
۳۲. گیرشمن، رومن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی. ۱۳۷۲.
۳۳. مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، تصحیح عبدالحسین نوابی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳.
۳۴. مصطفی، جواد، *سیدات البلاط العباسی*، بيروت، دار الكشاف، ۱۹۰۰م.
۳۵. معین، محمد، *فرهنگ معین*، با کوشش سید جعفر شهیدی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۵۱.
۳۶. یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
37. Medical, services and ‘Abbasid Ladies. Keren Abbaou Hershkavitz’ Ben Gurion University, Houfa University sapircolllego, 2014.